

حقوق مدنی

مصرف منافع موقوفات

مصرف منافع تابع نظر واقف است و بهر ترتیب که در وقف نامه دستور داده است باید عمل شود خواه تصریح به جزئیات آن نموده و خواه بنظر متولی برگذار نماید فقط در دو مورد ذیل قانون مصرف منافع موقوفات عامه را در امور خیریه عامه معین میکنند.

۱- در صورتیکه مصرف منافع موقوفه معلوم نباشد و حتی نتوان قدر متیقنی هم بدست آورد مانند آنکه منافع موقوفه را برای تحصیل معین کرده ولی چه قسم تحصیلی را بنظر داشته ذکر ننموده در اینصورت برای مطلق تحصیل خرج میکنند.

۲- در صورتیکه صرف منافع موقوفه در موردی که معین شده ممکن نباشد چنانکه منافع موقوفه را برای بنای دارالایتام معین کند و منافع مزبوره کفایت این امر را نکند

متولی - چون کلیه امور راجعه بوقف از قبیل اداره کردن و تقسیم منافع بنظر واقف است و نوعاً عده موقوف علیهم زیاد هستند و با اعتمادی واقف به آنها ندارد لذا میتواند واقف خود یا دیگری را برای این امر معین نماید اصطلاحاً شخص مزبور را متولی گویند.

شخصی که باین عنوان معین میشود میتواند قبول نموده و یا رد کند ولی هرگاه قبول نمود دیگر نمیتواند رد نماید و رد او اثری نخواهد داشت.

متولی بر حسب قرار واقف ممکن است دو یا چند نفر بوده باشند و به تنهایی با مجتمه با یکدیگر تصدی نمایند ولی هرگاه تصدی متولیان بطور اجتماع گردیده

مداخله هر يك بدون تصویب دیگری مؤثر نخواهد بود و در صورتی که یکی از آنها بمیرد حاکم بجای او کسی را معین مینماید تا به کمک او متولی عملیات لازم را ادامه دهد هرگاه واقف شرایط مخصوص برای متولی معین نماید و بعداً متولی فاقد آن شرط شود از تولیت منعزل میگردد چنانکه هرگاه تابعیت دولت معینی را شرط دانسته و متولی تابعیت خود را تغییر دهد پس از آن متولی نخواهد بود.

چنانکه گذشت چون کلیه اختیارات راجعه بامور وقف باید مطابق نظر واقف انجام شود لذا کسانی را که بعنوان تولیت معین مینمایند نمی توان عزل نمود مگر آن که چنین اختیاری را در ضمن عقد برای خود یا برای دیگری قرار داده باشد.

و در صورتیکه خیانت متولی ثابت شود حاکم شخص امینی را معین مینماید که در اعمال او نظارت نماید چون ممکن است واقف متولی معین نموده باشد ناچار کسی هم باید امور موقوفه را عهده دار شود لذا قانون در مورد موقوفات عامه یعنی موقوفاتی که منافع آن برای صرف در امور خیریه و نوعیه بر قرار شده است این امر را به اداره اوقاف داده است و در مورد موقوفات خاصه یعنی موقوفاتی که برای مصارف در امور خیریه و نوعیه معین نشده تصدی آن را بمهده موقوف علیهم برگذار مینماید.

متولی میتواند برای عمل خود در صورتی که واقف حقی برای او معین ننموده باشد از منافع موقوفه اجرت المثل بردارد.

ج - حق انتفاع از مباحات

مباحات اموالی است که مالک خاص نداشته و قابل تملیک اختصاصی میباشد مانند اراضی موات یعنی اراضی که مورد انتفاع واقع نشده و میاه میباحه مانند آب رودخانه ها که بر طبق ماده ۹۲ قانون مدنی هر کس میتواند با رعایت مقررات مربوطه از هر یک از آنها استفاده نماید

حق ارتفاق

دومین قسم از حقوق عینی اصلی بر اموال غیر حق ارتفاق است - حق ارتفاق حق استفاده ایست که برای شخص در ملک دیگری بر قرار شده مانند حق عبور، حق مجری فرق بین حق ارتفاق و حق انتفاع که قبلاً گفته شده آنست که حق انتفاع فقط برفع شخص مقرر گردیده ولیکن حق ارتفاق گر چه برفع صاحب حق بر قرار شده ولیکن باعتبار مالکیت او در ملک مجاور میباشد مانند حق العبور که برفع شخص از نظر آنکه در مجاورت آن مزرعه یا خانه دارد برقرار شده است .

چون هر مالکی بالنسبه بملك خود دارای حق مطلق و کامل میباشد میتواند برای اشخاص دیگر حقوقی را در ملک خود برقرار نماید و کیفیت آن حق تابع عقد و قرار داد است و حدود تصرفات او تابع عرف و عادت میباشد لذا صاحب حق نمی تواند بیش از آنچه برای او قرار داده شده است تا مقداری که عادتاً برای انتفاع از حق مزبور لازم است در ملک غیر تصرف نماید .

قانون قنوت مصوبه ۶ شهریور ۱۳۰۹ مقررات خاصی راجع باحدات قنوت اتخاذ نموده و اجازه داده که در املاک مزروعی مطلقاً و در باغات دهات و باغات قصبات میتوانند با پراخت قیمت عادلته زمین بدون اجازه مالک حفر چاه و قنات نمایند

بنا بر آنچه گذشت صرف اذن از ناحیه مالک در انتفاع مانند عبور از ملكی ایجاد حق ارتفاق نمینماید و هر وقت مالک بخواهد می تواند از اذن خود رجوع نماید .

متولی باید مانند وکیل امینی رفتار نموده و نمیتواند تولیت را بدیگری بر گذار کند ولی در صورتی که مباشرت شخص او قید نشده باشد میتواند وکیل برای انجام امور لازمه اختیار کند .

برای نظارت در امورات راجعه بوقف واقف میتواند کسی را بمنوان ناظر معین کند که اعمال متولی بتصویب یا اطلاع او باشد .

مخارج لازمه برای حفظ موقوفه - چون انتفاع از موقوفه منوط ببقاء عین آنست لذا هر گاه واقف مخارج لازمه را برای حفظ و بدست آوردن منافع از قبیل تعمیر و اصلاح آن معین نموده بترتیبی که مقرر داشته عمل میشود و الا آن مخارج از منافع موقوفه برداشته خواهد شد و مقدم بر حق موقوف علیهم میباشد

بیع موقوفه - چون عین ملك در مورد وقف و حبس غیر قابل انتقال است لذا جز در مواردیکه ذکر میشود که برای ادامه انتفاع از موقوفه لازم است بیع وقف جایز نمیشد و آن در صورتی است که ملك وقف خراب شده و یا مشرف بر خرابی است بطوری که انتفاع از آن ملك ممکن نیست یا چندان منافع آن روی بنقصان نهاده که تناسب را از دست داده است و باین وضعیت آبادی آن متعذر است یا گرچه مقدور باشد ولی کسی برای آن پیدا نشود .

هر گاه قسمتی از موقوفه بنحوی که ذکر شد خراب یا مشرف به خرابی باشد فقط همان قسمت را میتوان فروخت مگر آن که باقی از انتفاع بیفتد که در اینصورت فروش تمامی آن اجازه داده میشود .

در مورد فوق پس از فروش باید از قیمت آن مالی را خرید که بمنظور واقف نزدیکتر باشد .

چنانچه هر گاه موقوفه چرخانهائی بوده که برای روشنائی مدرسه معین شده باید در عوض آن چراغ دیگری خرید و اگر مدرسه بوده است مدرسه کوچکتری را باید خرید .